



بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه ی

شهید محسن رنکرز


درد خداوند بر سید عالمیان محمد مصطفی (ص)، درد بر سید شهدا حسین بن علی، درد بر فرزندان پاک حسین، امام خمینی و درد
بر همه شهدای راه حق و فضیلت از ذیل تابانی کفنان خرمشهر.

پدر و مادر عزیز در زمانی که از ارزشهای والای انسانی توسط بن صفتان شرق و غرب، این گونه به تباهی کشیده می شود و
در آن هنگام بندگان صالح خدا، بهمت تعدیل فطرتهای انسان، اسامعیل و ارباب سوسی شهادت می روند. در آن هنگام که
اصحاب پابرهنگه امام خمینی که یاد صحابی های پینمبر رازنده می کنند با فرماندهی امام زمان برای تعلیم شعار لا اله الا الله در
مقابل همه کفار، این گونه ایثار و اخلاص دارند و قاتلان بلندای ابدیت را می نمایند من چرا عجب باشم و از این فوز
خدایی بی نصیب کردم.

پدر، این جمله را در تغزیه های حسین، توبه من آموختی که یالینتی گنت مکلم ساداتی فوزا عظیما. کدام وقت نزدیکتر از حالا
به حسین، و امیدوارم مصمم تر از همیشه در خدمت اهل بیت باشی و این را بدان که هیچ انگیزه ای بجز همان تغزیه حسین
در شهادت من نقش ندارد.

شهادت
مادواره
ساده
خرمشهر





مادر، هنوز آوای لایلی لایلیت در صبح دهمای بهر اصغر و ضجه و شیونت راد فرخ یاران اباعبدالله به یاد دارم و این بار پر
شورتر از همیشه و در کربلای ایران نوحه یات راز مزه می کنم. دوست دارم این بار به خرمشهر برمی گردی بادی
سرشار از عشق به حسینان و کینه و نفرت به همه ی کفار، همچنان کوهاره اصغر را بجنابانی و همچون زینب در مقابل تمام
آزمایشهای الهی استوار باشی.

پدر و مادر، خواهر و برادرم به خدا قسم قبل این که باباغ اسلام آشنا شوم و مقام و منزلتهای انانیش را بشناسم استمرار
چنین دینی را آرزوی کردم و اینجا بود که به رسالت محمد ایمان آوردم. ارزشها را در غرب دیدم و صورت دیگر آن را در
شرق و اکنون اصالت ارزشهای واقعی انسانی اسلام را با تمام وجودم احساس می کنم و به آن عشق می ورزم.

خدا را شکر می کنم که مسلمان شدم و خدا را شکر می کنم که افتخار حمد و ستایشش را به من عنایت کرد و خدا را شکر می کنم که
راه سعادت در آن دنیا را به روی من باز کرد. و چنین گفت حضرت محمد (ص) که شیعیان علی را ستکارانند و چه زیبا که

حاشان علی، همچون مولایشان، از علاقه می طفل به مادرش به مرگ مشتاقترند هر زمان پیشانی بر تربت حسین می نشاندند

علی اکبر و او قاسم و او ریاحی و او به دین محمد لبیک می گویند و دینشان را از خدایم جویند و خدایم جبار اس و ولایت

مخالفت کردن و... پس تو ای پدر و مادر و خواهر و برادرم، اگر شیعه می علی هستی، اگر شفاعت را از علی مرتضی و


بی بی فاطمه طلب می کنی، در این راه سادمان باش و زفاف علی، هادی، جعفری، سعید، بربری، حسین، غلام

ها، تقی، مجید، محسن، هاراد خون جشن بگیریم و آنها را کامیاب بران و در فراغشان صبر کن که خداوند با صابرین

است. سفارش من به شما پدر و مادر و خواهر و برادرم این است که از من راضی باشید. خصوصاً تو پدر.

شهدای خرمشهر
مادواره
ساد





پدرم، مادرم، خواهرم، برادرم عمرو زمان زندگی آن قدر کفایتان نمی دهد که شمار اراضی کند پس در این چند صباح
زندگی خدار اراضی کنید. امام رابی بیچ قیمت از دست ندهید. همیشه در زندگی دنیا سنان، پامین تره راد نظر داشته باشید و
خودتان را با آنها مقایسه کنید و در امور اخروی به بندگان صالح خدا نگاه کنید. انشاء الله که رستگار خواهید شد. اگر بر ایاتان
مقدور بود مراد خر مشر و کر نه در جوار برادرانم در آبادان دفن نماید (نزدیک غلام و تقی) اگر چیزی از من مانده در راه
خدا بخرید. یک دستگاه توپوتا سبز رنگ ۲۰۰۰ متعلق به گروه کشاورزی ما وزیر نظارت کامل مرکز کسترش است.
حدود ۳۵۰۰ تومان (سه هزار و پانصد) از مرکز پول گرفته ام. اگر چیزی باقی ماند.....

ناتام



شهدای خرمشهر
مادواره
ساد